



در علم مجاز امام صادق علیه السلام

اصول فقه (بحث چهارم - اصول عملیه)

عدم جریان استصحاب در فرد مردد

جلسه ۴۸۵

استاد شفیعی

خلاصه بحث گذشته

شبهه عبائیه: با تطهیر یک طرف از عبائی که نجاستی به نحو علم اجمالی به آن اصابت کرده، طرف دیگر هم مشکوک النجاسه می‌شود، اگر در این مورد استصحاب جاری باشد، باید آثارش هم جاری شود، مانند تنجیس ملاقی، آیا این امر صحیح است؟ کسی قائل به این حکم نیست، پس با انتفاء اثر، موثر هم منتفی می‌شود، لذا استصحاب در این شبهه جاری نمی‌شود.

جواب مصنف: این مورد تخصصاً از استصحاب کلی خارج است، بلکه این مورد، استصحاب فرد مردد است که بدلیل فقدان ارکان، استصحاب در آن جاری نیست.

بیان مراد از یقین

۱. اگر مراد، یقین به حدوث فرد با قطع نظر از خصوصیت مفرّده باشد، این یقین موجود است، لکن متیقن کلی است، و صلاحیت انطباق بر هر دو فرد را دارد، پس از این جهت فایده ندارد و لغو است.

۲. اگر مراد، یقین به فرد با آن خصوصیت مفرّده باشد، واضح است که این فعلاً حاصل نیست. زیرا مفروض این است که خصوصیت مفرّده مجهول و مردد بین دو خصوصیت از طرف اعلی و طرف اسفل است.

وجه صحت قول ثانی

در استصحاب فرد مردد، رکن اول یعنی: یقین به حالت سابقه محقق نیست.

قطع به بقاء

مفروض این است که قطع به بقاء و قطع به ارتفاع قطعی فعلی نیستند، بلکه قطع تقدیری است. وقتی مشکوک بود، دیگر یقین سابق تحقق نمی‌یابد و یقین تقدیری، دیگر قطع نیست.